حکایت اهل راز

به اندازه آب خوردنی ما را نمی‌خواهند!

مرحوم حاج محمدعلی فشندی نقل می‌کرد: در مسجد جمکران قم اعمال را بجا آورده، با همسرم می‌آمدم. دیدم آقایی نورانی داخل صحن شد و قصد دارد به طرف مسجد برود. با خودم گفتم: این سید در این هوای گرم تابستان، از راه رسیده و تشنه است. ظرف آبی به دست او دادم تا بنوشد؛ پس از آن که ظرف آب را پس داد، گفتم: «آقا شما دعا کنید و فرج امام زمان را از خدا بخواهید، تا امر فرجش نزدیک شود». فرمود: «شیعیان ما به اندازه آب خوردنی، ما را نمی‌خواهند. اگر بخواهند، دعا می‌کنند و فرج ما می‌رسد». این را فرمود و تا نگاه کردم آقا را ندیدم. فهمیدم وجود اقدس امام زمان(عج) را زیارت کردم و حضرتش امر به دعا کرده است.

*** آیت‌الله ناصری، مجله خُلُق**
بهمن و اسفندماه سال ۱۳۹۰، شماره ۲۷

زمان ظهور و انتظار حضرت مهدی(عج)

*** محمدمهدی رشادتی**

امام مهدی(عج) فرمود: و اما ظهور الفرج، فانه الی الله و کذب الوقاتون. اما ظهور من و گشایش در گره کار عالم، در اختیار خداوند است و آنها که زمان خاصی را برای ظهور معین می‌کنند، دروغ می‌گویند.

مرحوم شیخ صدوق از اسحاق بن یعقوب نقل کرده است که گفت: طی نامه‌ای سوالاتی را به محمد بن عثمان غمری (دومین نایب خاص امام(ع)) دادم تا جوابش را برایم بیاورد. امام عصر(ع) نیز در نامه‌ای پاسخ همه پرسش‌هایم را دادند که یکی از آنها، در مورد ظهور آن حضرت بود و امام(ع) پاسخ فوق را بیان فرمود. در نامه دیگری که حضرت به شیخ مفید می‌نویسند، تاکید می‌کنند که: امر ظهور ما ناگهانی و بدون زمان از پیش تعیین‌شده، فرا می‌رسد و آن هم وقتی است که توبه، دردی از جنایتکاران دوا نمی‌کند و راه گریز از مجازات ما را ندارند.(فرهنگ سخنان حضرت مهدی(ع) ص۲۸۳-۳۶۹)

آیت‌الله جوادی آملی می‌نویسند: به تحقیق، زمان ظهور آن حضرت ناپیداست و تنها خدا یا کسانی از آن آگاهند که خداوند علم به آن را در اختیارشان گذاشته است. در برخی روایات، زمان ظهور ایشان را همانند برپایی قیامت، ناگهانی و غافلگیرانه معرفی کرده‌اند.

زمان ظهور امام(ع) از اسرار الهی است و گمانه‌زنی درباره آن نه تنها عملی بی‌اساس است بلکه امامان معصوم(ع) از آن نهی کرده‌اند. عدم تعیین وقت ظهور و تاکید بر مخفی داشتن آن، هرگز به معنی لزوم عدم اطلاع انسان کامل از زمان ظهور نیست. بلکه انسان کامل که به اذن الهی بر تمام عوالم امکانی احاطه دارد، به طور مسلم از زمان ظهور نیز آگاهی دارد، امام مصلحت نامشخص بودن وقت ظهور برای جامعه بشر اقتضای کتمان این راز را می‌کرده است. همان‌طور که امام صادق(ع) به ابی‌بصیر نفرمود که ما از وقت ظهور آگاه نیستیم بلکه فرمود: ما وقتی را معین نمی‌کنیم.

بی‌تردید، روز ظهور امام(ع) یکی از بارزترین مصادیق «ایام‌الله» خواهد بود و انتظار عاقلانه و صادقانه آن روز، وظیفه هر مسلمانی است.(امام مهدی موجود موعود ص۲۳۳)

ایشان درباره انتظار فرج می‌نویسند: فرج وجود مبارک امام عصر(ع) از بزرگ‌ترین آرزوهای پیروان مکتب اهل‌بیت(ع) است که سبب امید بر آینده و حرکت و پویایی در جامعه اسلامی است. مهم، باور حتمی بودن ظهور و انتظار راستین برای تحقق آن است.

رسول خدا(ص) بهترین عمل امت را انتظار فرج از جانب خدا می‌داند: افضل اعمال امتی انتظار فرج من الله - و ائمه(ع) برجسته‌ترین مصداق این عنوان کلی را انتظار فرج وجود مبارک ولی‌عصر(ع) دانسته‌اند، چرا که برای انسان‌های مومن ظهور آن حضرت گشایش حقیقی است.

حضرت عبدالعظیم حسنی(ره) فرمود: بر سرورم امام جواد(ع) وارد شدم، تصمیم داشتم از او بپرسم که آیا «قائم» شما همان مهدی است یا غیر او؟ پیش از آنکه سخن بگویم، فرمود: ای اباالقاسم، قائم ما همان مهدی(ع) است که باید در زمان غیبتش منتظر او بود و در زمان ظهورش وی را اطاعت کرد و او سومین فرزند من است. قسم به خدایی که محمد(ص) را به پیامبری برگزید و امامت را به ما اختصاص داد، اگر تنها از عمر دنیا یک روز باقی باشد، خداوند آن روز را به قدری طولانی می‌کند که قائم ما ظهور و خروج کند و آن‌گونه که زمین از ظلم و جور پر شده است، آن را از عدل و قسط پر گرداند. خداوند کار او را در یک شب اصلاح می‌کند و اوضاع را به نفع او می‌گرداند، چنانکه کار موسی(ع) را در یک شب اصلاح کرد، موسی(ع) برای گرفتن شعله‌ای از آتش برای استفاده خانواده‌اش رفت، اما هنگام برگشت به شرافت رسالت و افتخار نبوت رسیده بود. سپس امام جواد(ع) اضافه فرمود: بهترین اعمال شیعیان ما انتظار گشایش امور به دست آن حضرت است: افضل اعمال شیعتنا انتظار الفرج.(همان، ص۱۶۳)

مرحوم دولابی می‌گفتند: اگر انتظار کامل شود و محبت به حد کمال برسد، طوری می‌شود که حضرت را در ظاهر ببیند یا نبیند در یقین او اثر ندارد، بلکه در همه وقت با قلب خود مشاهده می‌کند. مثل پیامبر(ص) و اویس قرنی که به ظاهر اصلا یکدیگر را ندیدند، اما هرگز از هم جدا نبودند. امام سجاد(ع) می‌فرماید: منتظران واقعی در زمان غیبت، برتر از مردم تمامی زمان‌ها هستند. زیرا آن قدر از جانب خدا عقل و فهم و معرفت پیدا کرده‌اند که غیبت و شهود برای آنها فرق نمی‌کند. کسی که غیبت و حضور حضرت(ع) برایش یکسان باشد، به حضرت راه پیدا می‌کند. اما فردی که منتظر است تا حضرت بیایند و به تنهایی ستمگران را نابود کند، از فیض دیدن امام محروم می‌شود. هر وقت آدمی بنده واقعی و تسلیم اوامر الهی شد و فاعلیت خدا را در همه حوادث دید و به آن تن داد، آن وقت برای ملاقات با حجت خدا آماده شده است.(مصباح‌الهدی ص۳۲۰)

آیت‌الله بهجت(ره) می‌گویند: علائمی حتمی و غیرحتمی برای ظهور ذکر کرده‌اند. ولی اگر خبر دهند فردا ظهور می‌کند، هیچ بعید نیست. لازمه این مطلب آن است که در بعضی از علائم و نشانه‌ها «بداء» حاصل شده است و بعضی دیگر از علائم حتی هم متقارن با ظهور آن حضرت اتفاق می‌افتد.(نکته‌های ناب ص۶۳)

ویژگی‌های آماده‌سازان «دولت یار»

جواد محدثی

ای شمع جهان افروز، بیا
وی شاهد عالم سوز، بیا
ای مهر سپهر قلمرو غیب
شد روز ظهور و بروز، بیا[1]

حرکت تمهیدی

«مُمَهّدین»، یکی از عنوان‌هایی است که در متون دینی برای یاران حضرت مهدی(ع) به کار رفته است. بارها سخن از حرکتِ تمهیدی و زمینه‌سازی به میان آمده و از کسانی که بستر ظهور آن دولت کریمه را فراهم می‌سازند، ستایش شده است.

پرچم‌های کوچک عدالتخواهی و حق‌گستری، باید در پیش درآمد آن حکومت حق، برافراشته شود تا به امر و اذن پروردگار عالم، نوبت آن رسد که آن «پرچم بزرگ عدالت» برافراشته شود و جهانیان در سایه آن شیرینی عدل را بچشند.

انتظار سبز امت محمدی در این سرزمین، به حکومت روشن مهدوی خواهد پیوست و آن «بقیة الله» که ذخیره الهی و میراث‌دار همه پیامبران و تحقّق بخش همه وعده‌های انبیا در طول اعصار است، مسرّت منتظران را به کمال خواهد رساند و چه افتخاری بالاتر از آنکه عده‌ای در مدار و محور آن دولت نور قرار گیرند؟ مهم آن است که در چرخه «تمهید» و زمینه‌سازی برای آن «تجلّی اعظم عدل»، سهمی و نقشی داشته باشیم.

آنچه در دعاهای خاص امام زمان(ع) برای بازگشت به دنیا و رجعت در عصر ظهور درخواست شده، گوشه‌ای از همین آرزوی تمهیدی و عشق به خدمتگزاری در راه آن جلوه نور است و کسانی به این فوز و فیض نائل می‌شوند که در زندگی‌شان، روشی تمهیدی داشته باشند.

دولت طلیعه

عمل به قرآن، داوری به حق، تن دادن به عدالت و تلاش برای قسط و داد، معیار صدق در این ادّعاست و هر کس می‌تواند خود را با این معیار محک بزند. نظام جمهوری اسلامی و خدمتگزاران مردم در این نظام و دولت، به میزان تطابق با شاخصه‌های حکومت مهدوی، می‌توانند مدّعی باشند که در طلیعه آن دولتند و «دولت طلیعه»اند. یاد کنیم از امام راحل (قدس سره) که بارها رسالت منتظران و تکلیف مردم و مسئولان را خاطرنشان کرد و فرمود:

«ما منتظران مقدم مبارکش، مکلّف هستیم تا با تمام توان کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در این کشور ولیّ عصر حاکم کنیم».[2]

و در پیوند این انقلاب با حکومت مقدس آن حضرت فرمود:

«انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام، به پرچمداری حضرت حجّت (ارواحنا فداه) است».[3]

چگونه می‌توان به تکالیف این طلیعه بودن عمل کرد و مقتضیات آن را شناخت و انگیزه خدمت در این مسیر یافت؟

وقتی که حاکمان، حکومت را طعمه نشمارند.

وقتی که دست‌اندرکاران و مسئولان، به امانت بودن مسئولیت اجرایی و تبلیغی و فرهنگی و تقنینی و قضایی خویش، آن هم به نیابت از آن حجّت الهی توجّه داشته باشند و صاحب اصلی حکومت را ناظر خویش بدانند.

امام کاظم(ع) شخصیت شیعه منتظر و شهروند دیار انتظار را این‌گونه معرفی می‌کند:«خوشا به حال پیروان ما، آنان که در دوران غیبت قائم ما به محبت و دوستی ما پایبندند و بر این پیوند و همبستگی با ما و برائت و بیزاری از دشمنانمان استوار و ثابت قدمند، آنان از مایند و ما از آنانیم...».

باز هم سخنی از امام امّت: «امام زمان(ع) مراقب ما هستند، مراقب روحانیّت هستند که چه می‌کنند اینها؟ امروز که اسلام به دست آنها سپرده شده و تمام عذرها منقطع شده است...».[4]

گر چه از دید ما، «حکومت» حق خدا و پیامبران و اولیای الهی و حجج پروردگار است، ولی در عصر غیبت که «ولی فقیه» حکومت تشکیل می‌دهد، به عنوان «نایب امام زمان» است و اگر دیگران هم کاری در دست و باری بر دوش و مسئولیتی بر عهده‌دارند، از آنجا که نظام ما مبتنی بر ولایت، است با این پشتوانه،مشروعیت یافته‌اند.

راستی، اگر حضرت مهدی(عج) به نقد و ارزیابی عملکردها بپردازد، کدام پرونده است که در عمل، رضایت خاطر او را تأمین کند؟ و کدام مسئول است که بتواند به آن حضرت گزارش کار بدهد و روسفید باشد و بداند که «مقبول» افتاده است؟

تکلیف «دولت طلیعه» بسی سنگین است و خدمت صادقانه در آن نیز بسی افتخار.

شهر انتظار

اگر آن عصر آرمانی را «شهر انتظار» بنامیم، برای ورود به آن، «گذرنامه»ای خاص لازم است؛ مجوزی که از صبر و ثبات و قیام و اقدام و امید و تلاش نشئت می‌گیرد.

چشم به راهان سپیده ظهور، در پیشانی صبح فردا، ظهور مصلحی را می‌بینند و می‌خوانند که از تبار رسولان و پیامبران و امامان است و ادامه دهنده راه و گشاینده همان آفاق و پیگیر همان اهداف. چراغ هدایت بشر را در دست دارد و پرچم عدالت‌گستری را بر دوش و یاران صادق و مؤمن را همراه.

اگر او مسیح‌گونه می‌آید تا شفابخش دردها شود و پیامبرگونه می‌آید تا خرافات و جهالت‌ها را بزداید و علی‌گونه ظهور می‌کند تا ذوالفقار عدالت برکشد و سایه خجسته قسط را بگستراند و حسین‌گونه می‌آید تا نسل ابوسفیان و رگ و ریشه یزیدیان را از بیخ برکند و شور حماسه در جهان بیفکند و منتقم خون شهیدان کربلا باشد، این خط و نشان در باور و بینش و موضع و رفتار منتظران و زمینه‌سازان هم باید باشد و گر نه تعارض میان رفتار کنونی و آن امید و نوید به آینده آرمانی، نشان عدم صداقت است.

انتظار آن موعود، محور تجمع و همدلی دلسوختگانی است که از سیطره ستم بر سرنوشت انسان‌ها به ستوه آمده‌اند و در دروازه «شهر انتظار»، چشم به افق ظهور دوخته‌اند و آماده هر گونه فداکاری در راه اهداف آن منجی‌اند.

ساکنان شهر انتظار، دل‌های سپید و روشنی دارند که زندگی‌ها آنان را نیز گرم و آفتاب گون می‌سازد.

طلیعه داران آن دولت حق، با هم مهربان و همدلند و بر ضدّ دشمنان عدالت، همدست و همراهند.

عشقشان، برپایی آن «جامعه آرمانی» است که «دولت مهدوی» نام دارد و تلاش آنان، زمینه‌ساز برپایی و شکل‌گیری آن «مدینه موعود» است و خود را وقف آن می‌سازند و همه نیروهای فکری، جسمی و اجتماعی خود را در این راه صرف می‌کنند تا انتظار راستین خود را اثبات کنند.

درست است که خداوند، حامی و یاور آن موعود و زمینه‌ساز آن دولت کریمه است، ولی جهاد ممهّدانه و تلاش زمینه‌ساز برای آن شرایط را هم نباید از چرخه عمل منتظران حذف کرد و از آنان «تماشاگر» ساخت.

امام صادق(ع) می‌فرمایند:«در دوران حکومت حضرت مهدی(ع)، عیسای مسیح از آسمان فرود می‌آید و پشت سر آن حضرت نماز می‌خواند. هم اوست که «دجال» را می‌کشد و خدای متعال، شرق و غرب جهان را به دست آن امام موعود می‌گشاید و حکومت او که حکومت عدالت است، تا دامنه قیامت امتداد می‌یابد».

این نویدها و امیدها، بر سردر «دیار منتظران» نقش بسته است و در دل آنان نیز.

اگر وارد «شهر منتظران» شویم، آنجا که همه، چشم به راه آن خورشید عدالتند و خود را آماده دیدارش کرده‌اند، با کسانی رو برو می‌شویم که صبح و شامشان تلاش خالصانه و ممهّدانه است، سلحشور و با غیرتند، متّحد و یکدلند، مساجدشان آباد از عبادت و فرهنگشان متعالی است؛ فرهنگ جهاد و شهادت.

گویا سخنگویی، آنجا را چنین تصویر می‌کند: «...این‌جا شهر منتظران است و چشم به راهان. می‌خواهیم در احوال آنان بنگریم و لذّت ببریم، روح و روحیّه بگیریم و امیداندوزیم. پر شویم و گسترش یابیم و عمق پذیریم، ایمان استوار داریم و خویشتن انسانی خویش باز یابیم و بر عظمت والای انسان نماز بریم. باید حوزه منتظران مهدی موعود، پاسخگوی آنچه یاد شد، باشد و هنوز بهتر و بالاتر....».[5]

راستی،... تکلیف ما در ساختن شهر منتظران چیست؟

ویژگی ساکنان آن، کدام است؟ و آیا ما ساکن «شهر انتظار»یم؟ یا بیرون از آن؟

اگر حضرت مهدی(عج) به نقد و ارزیابی عملکردها بپردازد، کدام پرونده است که در عمل، رضایت خاطر او را تأمین کند؟ و کدام مسئول است که بتواند به آن حضرت گزارش کار بدهد و روسفید باشد و بداند که «مقبول» افتاده است؟

امام کاظم(ع) شخصیت شیعه منتظر و شهروند دیار انتظار را این‌گونه معرفی می‌کند:

«طوبی لِشیعَتنا، المتمسّکینَ بِحُبّنا فی غیبة قائمنا، الثابتینَ علی موالاتنا وَ البرائةِ مِن أعدائنا، أولئک منّا و نحن مِنهم...»[6] خوشا به حال پیروان ما، آنان که در دوران غیبت قائم ما، به محبت و دوستی ما پایبندند و بر این پیوند و همبستگی با ما و برائت و بیزاری از دشمنانمان، استوار و ثابت‌قدمند، آنان از مایند و ما از آنانیم...».

اگر او مسیح‌گونه می‌آید تا شفابخش دردها شود و پیامبرگونه می‌آید تا خرافات و جهالت‌ها را بزداید و علی‌گونه ظهور می‌کند تا ذوالفقار عدالت برکشد و سایه خجسته قسط را بگستراند و حسین‌گونه می‌آید تا نسل ابوسفیان و رگ و ریشه یزیدیان را از بیخ برکند و شور حماسه در جهان بیفکند و منتقم خون شهیدان کربلا باشد، این خط و نشان در باور و بینش و موضع و رفتار منتظران و زمینه‌سازان هم باید باشد وگرنه تعارض میان رفتار کنونی و آن امید و نوید به آینده آرمانی، نشان عدم صداقت است.

این حفظ مواضع و ثبات قدم در باور و عقیده و حرکت در جبهه ولایت امامان، از ویژگی‌های مردم آن دوره و شیعیان خالص به شمار آمده است.

تفکر «مهدی باوری» و «مهدی گرایی»، عصر غیبت را هم به رنگ عصر حضور در می‌آورد و حضور پنهانی آن آفتاب پرده نشین، بر زندگی‌ها سایه ایمان و معنویت می‌افکند و زمینه‌ساز «دولت طلیعه» می‌شود.

کسب آمادگی

مشتاقان آن «حاضرِ عصرِ غیبت» هم می‌کوشند شایستگی‌های آن دوران را در خویش و جامعه فراهم آورند. این لیاقت در سایه پاکی و تقوا و اخلاق والا به دست می‌آید. به فرموده حضرت صادق(ع):

«مَنْ سَرَّهُ اَنْ یکونَ مِن أصحابِ القائم فَلْیَنْتَظِر وَ لیَعْمَل بِالوَرَع و مَحاسِنِ الأخلاق وَ هُوَ مُنتَظِرٌ؛»[7] هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم(ع) باشد، پس چشم به راه و منتظر باشد و با پرهیزکاری و اخلاق شایسته عمل کند؛ در حالی که منتظر است».

روایات معصومین(ع) می‌گوید:

وقتی آن واپسین ذخیره عرشی، آن «بقیةُ الله» برای نجات فرشیان و خاکیان ظهور کند و وعده حق برای موعود امّت‌ها تحقق یابد؛ آن روز، روز خوش صالحان و پاکان است و روزی سخت بر ستمگران و حریم شکنان و کافران. این، همان «فرج» و گشایشی است که برای عموم مردم گیتی و به‌ویژه برای صالحان و خوبان، مژده داده شده است.

ولی برای رقم خوردن آن روز خجسته و نورانی، اهل انتظار هم باید گام پیش گذارند و از خود، ایثار و جهاد و تلاش شبانه‌روزی نشان دهند و با ظلم و بی‌عدالتی بستیزند و حق را حاکم سازند. در یکی از سلام‌ها و صلوات‌ها به ساحت آن ولی‌الله اعظم، چنین می‌گوییم:

«... خدایا، بر آن امام غایب و حجت قائم که منتظر فرمان توست، درود فرست.

خدایا، وعده‌اش را قطعی، دوری‌اش را نزدیک و غیبتش را بر طرف گردان.

خدایا، با ظهورش محنت‌ها را برطرف ساز و رعب او را در دل دشمنان بیفکن.

خدایا، او را با لشکریانی از ملائکه تأیید کن و بر دشمنان دین خود مسلط و پیروز گردان.

خدایا، به او الهام بخش، تا ستم‌ها را از میان بردارد و کاخ‌های بیداد را ویران سازد، کوه‌ها و بیابان‌ها را در نوردد و گنج‌های نهان را استخراج کند».[8]

در این فقرات از دعا، هم چشم‌انداز امیدبخش آن دوران دیده می‌شود، هم تکلیف بزرگِ مهدی باوران منتظر روشن می‌گردد.

یکی از اصحاب به امام صادق(ع) می‌گوید: مردم می‌گویند اگر مهدی(ع) قیام کند، کارها همین طور و خود به خود برای او جور و مهیّا می‌شود و به اندازه یک حجامت هم خون ریخته نمی‌شود.

حضرت در پاسخ می‌فرماید:

«به خدا سوگند چنین نیست. اگر قرار بود کارها به این راحتی برای کسی مهیّا شود، برای رسول خدا(ص) می‌شد، آنگاه که دندان‌هایش را شکستند و پیشانی او را خون‌آلود ساختند. نه، به خدایی که جانم در دست اوست سوگند، کار چنان خواهد بود که ما و شما از پیشانی خود عرق و خون را پاک کنیم؛...کلاّ و الذی نفسی بیده حتّی نَمْسَحَ نَحْنُ و أنتم العَرَقَ و العَلَقَ (ثمّ مسح جبهَتَهُ)».[9]

وقتی شرایط عصر ظهور آنچنان است، منتظران راستین آن دولت هم از چنین تلاشی بی‌نصیب نباید باشند و این است معنای انتظار.

حضرت صادق(ع) می‌فرماید: «لِیُعِدّنّ أحَدُکم لِخروج القائم و لوسَهماً، فإنّ الله إذا عَلِمَ ذلک مِن نیّتِهِ رَجَوْتُ لأن یُنسِیءَ فی عُمُرِهِ حتّی یُدرِکَهُ وَ یکونَ مِن أعوانه و أنصاره؛[10] هر یک از شما برای خروج و قیام مهدی(عج) امکانات و شرایط را، هر چند یک تیر باشد، فراهم کند، خداوند هرگاه چنین نیتی را در کسی ببیند و بداند، امیدوارم که عمر او را طولانی کند تا حضرت مهدی را درک کند و از کمک‌کاران و انصار او باشد».

این آماده‌سازی (و نه آماده‌خواهی)،[11] از شرایط انتظار مثبت و منتظر واقعی است و هر مجموعه و تشکّل و گروه و فردی که داعیه انتظار دارد و مشتاق دیدار است، باید سهمی در این موضوع داشته باشد.

گرچه در روایات است که خداوند، امرِ فرج آن حضرت را یک شبه به سامان می‌رساند (یُصلحُ اللهُ عزّوجلّ أمره فی لیلة واحدة)،[12] اما گام‌ها و اقدام‌های چشم به راهان نیز در شتاب آن «فرج موعود» موثر است و تمهید و حرکت زمینه‌سازان منتظر، تسریع در ظهور فرج است.

در رکاب دولت کریمه

خوشا آنان که در طلیعه «دولت یار»، باری بر دوش بکشند و کاری درخور آن دولت کریمه انجام دهند و عضوی از آن مجموعه نور باشند و جامعه را به سوی آرمان‌های مهدوی فراخوانند.

اگر از نشانه‌های آن دولت، «رشد عقلی و فرهنگی مردم»، «کارآمدی و توانایی یاران او» و «ارتقای سطح معیشتی» و «حاکمیت معیارهای حق»را به شمار آوریم، خصال دست‌اندرکاران «دولت طلیعه» نیز روشن می‌شود. در حدیث امام علی(ع) چنین آمده است:

«مهدی(ع) از اصحاب خویش پیمان و بیعت می‌گیرد که سرقت و زنا نکنند، مُحرِمی را نکشند، حریمی را هتک نکنند، به ناحق بر خانه‌ای هجوم نبرند و کسی را مورد ضرب و شتم قرار ندهند، زر و سیم نیندوزند، گندم و جو احتکار نکنند، مال یتیم نخورند، ندانسته شهادت ندهند، راهزنی نکنند، مساجد را ویران نسازند، از آلودگی‌ها دوری کنند، امر به معروف و نهی از منکر کنند، لباس خشن بپوشند، بر خاک سر نهند و در راه خدا آن گونه که شایسته است، جهاد کنند...».[13]

تأکید بر این همه ویژگی برای چیست؟

تا آنان که چشم به دروازه صبح دوخته‌اند و آمدن خورشید نهان را انتظار می‌کشند، با شناخت اوصاف یاران او و ویژگی‌های دولت مهدوی، خود را با آن شرایط وفق دهند و همین کارها و برنامه‌ها را به عنوان «تمهید» و «طلیعه» برای آن دولت، انجام دهند، یا دست کم بستر اجرای آنها را فراهم سازند.

باشد که از زمینه‌سازان ظهور باشیم و تلاشگران برای تحقق عصر حضور....

از: مجله فرهنگ کوثر، ش۷۴

۱. مرحوم غروی اصفهانی (کمپانی).
۲. کلمات قصار (مرکز نشر آثار امام)، ص۴۹.
۳و۴. همان، ص۴۷.
۵. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص۳۹۳، (با تغییراتی اندک).
۶. بحارالانوار، ج۵۱، ۱۵۱.
۷. همان، ج۵۲، ص۱۴۰.
۸. مفاتیح الجنان، صلوات بر حضرت حجّت.
۹. غیبت نعمانی.
۱۰. بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۶۶.
۱۱. تعبیر استاد محمدرضا حکیمی در «خورشید مغرب».
۱۲. منتخب الأثر، ص۳۰۰.
۱۳. همان، ص۴۹۶.

چراغ راه

جریان امور هستی براساس اقتضائات آن

قال الامام علی(ع): «ان الله سبحانه یجری الامور علی ما یقتضیه، لا علی ما ترتضیه».

امام علی(ع) فرمود: «همانا خداوند امور هستی را براساس اقتضائات آن جاری می‌کند، نه بر مبنای خواست و رضایت مردم» (1)

۱- غررالحکم، ح ۳۴۳۲

حکایت خوبان

لزوم هماهنگی با مقتضیات زمان

امام صادق(ع) هماهنگ و منطبق با شرایط و مقتضیات زمان، لباس‌های مرتب و نو می‌پوشیدند.

شخصی به ایشان انتقاد کرد: مگر شما نفرمودید که علی ابن ابی‌طالب لباس‌های زبر و خشن و ارزان می‌پوشید، چرا در تن شما لباس نو می‌بینم؟ امام صادق(ع) پاسخ دادند: امام علی(ع) آن لباس‌ها را در زمانی می‌پوشید که با وجود فقرای بسیار در جامعه، آن لباس‌ها بدن‌نما نبود، ولی اگر همان لباس‌ها را در این زمان می‌پوشید، به بدی انگشت‌نما می‌شد. بنابراین بهترین لباس هر زمان، لباس نوع مردم آن زمان است. (1)

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱۱

پرسش و پاسخ

اختیار، امتیاز ویژه انسان و الزامات آن

پرسش:

چرا انسان برخلاف سایر موجودات نیاز به پیامبران، کتب آسمانی، اخلاق، قانون و مقررات، حقوق، عدالت و... دارد؟

پاسخ:

حیات اجتماعی انسان و الزامات آن

حکما و فلاسفه درباره انسان گفته‌اند که انسان یک حیوان اجتماعی است. یعنی انسان جانداری است که زیست و حیات او موقوف به همزیستی اجتماعی است. «با هم زیستن» کلمه ساده‌ای نیست: شامل و مستلزم یک جهان معنا است. با هم زیستن نظیر با هم راه رفتن و یا با هم نشستن نیست که یک عمل ساده باشد. با هم زیستن، یعنی بار حیات و زندگی را با هم به دوش کشیدن، و به همین جهت هزاران قانون و مقررات و معلومات و صنایع و فنون و تقسیم کار و اخلاق مخصوص اجتماعی از قبیل عدالت و انصاف و همدردی و احسان و غیره لازم دارد. برخی حیوانات مانند زنبور عسل و مورچه و تا اندازه‌ای برخی درندگان و حیوانات کوهی و جنگلی نیز زندگی اجتماعی دارند، و بعضی از آنها به طور دقیقی تقسیم کار و وظیفه کرده عملیات اجتماعی حیرت‌انگیزی را انجام می‌دهند به گونه‌ای که برخی گمان می‌کنند آنها به درجاتی از تکامل در زندگی اجتماعی جلوتر رفته‌اند؟ اما در عین حال زندگی انسان با زندگی آنها قابل مقایسه نیست، لااقل از نظر سادگی و پیچیدگی!

قابل قیاس نبودن حیات اجتماعی انسان با برخی حیوانات

حیات اجتماعی انسان‌ها با برخی حیواناتی که زندگی اجتماعی دارند مانند: زنبور عسل و موریانه و... به هیچ وجه قابل قیاس نیست، چرا که آن جانداران به حکم غریزه فعالیت می‌کنند و کارها و وظایف را تقسیم کرده‌اند و نظم و انضباط را رعایت می‌کنند، که همه آنها به حکم غریزه طبیعی و جبری است، همانند عملیات طبیعی جسم و بدن ما شامل حرکات منظم قلب و ریه و گردش خون و... که یک نوع جبر و ضرورت و عدم امکان تخلف در آنها حکمفرما است. اما انسان در فعالیت‌های اجتماعی خود مختار و آزاد است و هیچ نوع جبر و تحمیلی بر او حاکم نیست. باید کارها را میان خود تقسیم کند، اما با اختیار و تشخیص و انتخاب، باید نظم و انضباط داشته باشد. آن هم با اختیار و انتخاب خود. فرق بزرگی که انسان با حیوان دارد همین است که همیشه دو راه در جلوی خود می‌بیند و همیشه خود را بر سر دو راهی مشاهده می‌کند و باید یکی از این دو راه را انتخاب کند. اما حیوانات اجتماعی همیشه در مقابل یک راه قرار دارند و آن هم جبراً آن مسیر را طی می‌کنند نه با انتخاب و اختیار خود! قرآن کریم می‌فرماید: «و هدیناه النجدین» ما انسان را به دو راه (حق و باطل) هدایت کردیم) (بلد-۱۰) یا درجای دیگر می‌فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکراً اوکفوراً»(دهر-۳) ما راه را به او نشان دادیم و او خود داند که قدردان یا ناسپاس باشد.

الزامات اختیار و انتخاب انسان

امتیاز بزرگ انسان در زندگی اجتماعی قدرت اختیار و انتخاب او است، و این ویژگی مبنای قانون، و اخلاق و مقررات و مبنای نبوت و رسالت و کتب آسمانی، در برابر انتخاب احسن او است. کتب آسمانی و انبیای عظام یکی از دو هدف مقدسشان این است که عدل و انصاف و مساوات و برابری را در میان بشر و حیات اجتماعی او بپا دارند. «لیقوم الناس بالقسط» هدف رسالت این است که مردم به عدالت و قسط قیام کنند (حدید-۲۵) در حقیقت انبیا وکتب آسمانی آمده‌اند که جامعه این موجود آزاد و بی حد و حصر را متعادل کنند. آزادی انسان است که هزاران قوانین و مقررات و تعلیمات و فلسفه‌ها و اخلاق و آداب ضد و نقیض را به وجود آورده و احتیاجات او را هزار برابر کرده است. همه این احتیاجات را آزادی طبیعی و فطری انسان به وجود آورده است، و باز همین آزادی است که مبنای فضیلت و تقدم انسان بر فرشتگان است. زیرا فرشتگان طوری آفریده شده‌اند که جز یک راه نمی‌شناسند، و جز در یک راه نمی‌توانند گام بردارند، و آن راه قدس و طهارت و عبادت است، اما انسان استعداد بالا رفتن و پیوستن به ملکوت اعلی را دارد و هم استعداد فرو رفتن در طبیعت و استغراض در پستی و دنائت. بنابراین از مهم‌ترین الزامات اختیار و انتخاب انسان، وجود نقشه راه سعادت و کمال فردی و اجتماعی او است که در پرتو آن بتواند مسیر رشد، تعالی و تکامل خود را طی نماید.

سلوک عارفانه

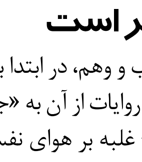

تأدیب نفس، جهاد اکبر است

تأدیب نفس و مهار کردن شهوت، غضب و وهم، در ابتدا برای انسان خیلی فشار دارد. اتفاقا به همین دلیل در روایات از آن به «جهاد اکبر» تعبیر شده است. مراد از «جهاد اکبر» غلبه بر هوای نفس و تربیت آن است. این کار به معنای واقعی کلمه جهاد اکبر است. به همین دلیل امام علی(ع) می‌فرمایند: اگر بخواهی نفس خود را از خواسته‌های گسترده‌اش برگردانی و جلوی اطلاق آن را بگیری جهاد اکبر کرده‌ای. (غررالحکم، ص ۲۴۱)(1)

۱- ادب الهی، آیت‌الله شیخ مجتبی تهرانی(ره)، کتاب پنجم، ص ۴۱

صفحه معارف روزهای: شنبه، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
MaarefKayhan@Kayhan.ir

توکل به خدا یا تکیه به اسباب؟

برخی از مردم بیشتر از آنکه به خدا توکل و اعتماد داشته باشند، به خود اعتماد دارند و از آن به اعتماد به نفس نیز یاد می‌کنند و آن را به عنوان یک صفت برجسته و ممتاز قلمداد کرده و حتی برای آن قلم فرسایی و سخنرانی می‌کنند؛ بدتر اینکه برخی حتی از این هم پایین‌تر می‌آیند و به جای توکل به خدا، توکل به خلق و بدتر توکل به اسباب دارند و اسبابی چون پول و مانند آن، چنان برای آنها مهم و اساسی است که با تکیه بر آن، کارهایشان را انجام می‌دهند و بر این باورند که اگر چنین اسبابی فراهم نباید اصلا در کاری ورود نمی‌کنند.

اما اهل ایمان و اهل توحید فعل بر این باورند که تنها باید بر خدا توکل و اعتماد کرد و اگر اسباب از جمله اسباب نفسانی تاثیرگذار است، زمانی است که خدا آن تاثیر را بخواهد و اراده کند. از همین رو اسباب سحر و جادو و طلسم و مانند آنها که بسیار قوی است، تا زمانی که خدا نخواهد هیچ تاثیری نخواهد داشت.(بقره، آیه ۱۰۲)

با آنکه خدا در آیات قرآن فرمان می‌دهد که انسان اسباب لازم و مناسب را برای هر کاری فراهم آورد؛ چرا که دنیا دارالاسباب است و حتی حضرت ذوالقرنین(ع) برای هر کاری از اسباب مناسب خودش استفاده کرد(کهف، آیات ۸۲ تا ۹۵)؛ اما شاید مهم‌تر از اسباب مادی، همان سببیت و علیتی است که خدا با توکل شخص فراهم می‌آورد. از این رو خدا به پیامبرش(ص) می‌فرماید: فَاذا عَزَمْتَ فَتَوَکّلْ عَلَی اللهِ إنّ اللهَ یُحِبّ الْمُتَوَکّلِینَ؛ چون عزم و اراده کاری کردی، بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می دارد و اهداف آنان را تحقق می‌بخشد.(آل عمران، آیه ۱۵۹)

آقای حمید رضا رضایی از فرماندهان جنگ برایم تعریف می‌کرد: نوجوانی چهارده ساله درخواست اعزام به مناطق جنگی و انجام عملیات را داشت؛ بارها او را به سبب صغر سن و نوجوانی رد کردند؛ اما روزی با تعجب هنگام انجام عملیات در خط مقدم دیدند. او آمده بود و درخواست اسلحه داشت. فرماندهان اجازه نمی‌دادند و حتی اعتراض داشتند که چرا در خط مقدم برای عملیات حضور یافته و یا چگونه خودش را به آنجا رسانده است.

یکی از فرماندهان به شوخی یا جدی به او گفت: اسلحه نداریم به تو بدهیم، اگر اسلحه می‌خواهی خودت برو یک طوری تهیه کن! زمانی نگذشت که عملیات شروع می‌شود. در میدان جنگ او را با اسلحه می‌بینند؛ از او سؤال می‌کنند: اسلحه را از کجا آورده ای؟ گفت: شما خودتان گفتید برو برای خودت اسلحه پیدا کن! من هم رفتم کوله پشتی خود را پر سنگ کردم و هنگام عملیات جلو آمدم و در یک زمان یک عراقی را غافل کرده سنگی به او زدم. وقتی افتاد اسلحه اش را برداشتم.

پس وقتی کسی بخواهد کاری کند با توکل بر خدا می‌تواند کارش را انجام دهد. پس اینکه منتظر اسباب مادی و ظاهری بماند و دست روی دست بگذارد، کاری بس غلط و نادرست است. امروز در حوزه اقتصاد مقاومتی با توجه به این همه اسباب و امکانات داخلی اگر کسی دست روی دست بگذارد باید او را سرزنش کرد که حتی به‌اندازه یک نوجوان دوره دفاع مقدس در جنگ اقتصادی تلاش نکرده است.

منصور حسینی